



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



2018/8/30

کاندید اکادميسين سيستاني

بحران بی ثباتی در افغانستان، و استفاده ایران

و پاکستان از خاک آب و مردم افغانستان

افغانستان از چهاردهه بدینسو با بحران بی ثباتی و فقدان امنیت دست و گریبان است و با تجاوز شوروی بر افغانستان، تقریباً پنج میلیون مردم کشور مجبور به مهاجرت به ایران و پاکستان شدند. این آواره گان برای حفظ حیات خود و خانواده خویش مجبور بودند تن به شاقه ترین کار ها بدهند و برخورد خشونت بار مامورین امنیتی کشورهای میزبان را تحمل کنند و برای ادامه حیات نیروی خود را در بدل مزد ناچیز در اختیار صاحبان کار بگذارند. وبسا از پروژه های ساختمانی و عمرانی در کشورهای ایران و پاکستان، ثمره کار و سهم فعال مهاجران افغانستان اند. در عین حال ادارات استخبارات و اطلاعاتی کشورهای میزبان از میان مهاجران افغان، اشخاص و عناصر مورد نظر خود را به نام رهبر و سرکرده های قومی و مذهبی مورد حمایت خود قرار داده اند و آنها را علیه منافع افغانستان به خدمت گرفته اند. این عناصر که بنام رهبران هفت گانه و هشت گانه مشهور اند، امروز برای مردم و جامعه ما شناخته شده اند، امروز هریک از این دو کشور، اجنت های سر سپرده فراوانی در افغانستان دارند، که از منافع کشور حامی خود دفاع میکنند و منافع افغانستان را فدای منافع ایران و پاکستان مینمایند بدون آنکه باکی از تاریخ و ملت خود داشته باشند.

ایران در منطقه در مقایسه با پاکستان کشور تاریخی و نیرومندی است، و هنوز فکر امپراتوری عهد صفوی از یادش نرفته است. اقتدار این کشور در دوران صفویه و نادر شاه افشار ثبت تاریخ است، و این هم ثبت تاریخ است که اولین مردمی که اقتدار 220 ساله صفویه را مضمحل و استقلال خود را بدست آوردند افغانان قندهار بودند، و همچنان اولین ملتی که بعد از مرگ نادر افشار دست به تشکیل دولت مستقل زد، باز هم افغانهای قندهار بودند. به عبارت دیگر، با مرگ نادر افشار بدست سران نظامی اش در سال 1747، سران مقتدر نظامی اش، هریک بر قسمتی از امپراتوری بزرگش دست یافتند. مردم افغانستان تحت زعامت احمدخان ابدالی نیز در قندهار اساس دولت مستقلی را گذاشتند (اکتوبر 1747).

از آن بیعد هر زمانی که افغانستان دچار جنگ و بی ثباتی شده است، دولت های ایران از این بی ثباتی و بحران به نفع خود استفاده کرده اند. پس از مرگ امیر دوست محمد خان در هرات درجون 1863، هرج و مرجی که بر سر تصرف تاج و تخت کابل میان امیر شیر علیخان و برادرانش رونما گردید، پنج سال را در بر گرفت تا امیر شیر علی خان بر کابل مسلط شود (1868). ایران از این هرج و مرج داخلی به نفع خود استفاده کرد. و طی سالهای 1866 و 1867 قشونهای خود را از کرمان و قاپینات، به سیستان سوق داد و آن ایالت را تا قلعه نادعلی و قلعه فتح اشغال نمود. وقتی امیر شیر علیخان، برای تصرف سیستان از چنگ ایران، آماده شد و ایران را به جنگ تهدید کرد. انگلیس بر طبق معاهده پاریس

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرولو مخکې په خیر و لولي

پای حکمیت پیش گذاشت و جنرال گولدسمید بحیث حکم وارد سیستان شد و سیستان را بدو بخش تقسیم کرد: یک بخش را بنام سیستان اصلی نامیده به ایران داد و بخش دیگر را بنام سیستان فرعی به افغانستان واگذار کرد (1872).

گرچه این حکمیت شدیداً مورد اعتراض دولت افغانستان قرار گرفت ولی جریان امر بعداً نشان داد که ایالت سیستان برای همیشه به دو قسمت باقی بماند و ایران از آب رودخانه هیرمند رسماً مستحق شناخته شود. گولدسمید در پایان رأی حکمیت خود این جمله را علاوه کرد که "باید صریحاً دانست که به هیچگونه کار و پروژه ای بدو طرف رودخانه هیرمند مبادرت نشود که مقدار آب را از اندازه احتیاج طرف مقابل تقلیل دهد" و با همین جمله ایران را از آب رودخانه هیرمند طوری مستحق شناخت که اثرات سوء این جمله درست تا یکصد سال بعد هنوز هم از بین نرفته است. از آن تاریخ ببعد ایران گاه و بیگاه بر سر حقایق خود با افغانستان به مشاجره و مذاکره پرداخته است. این مشاجرات و منکرات یک صد سال طول کشید تا به معاهده ماه مارچ 1973 انجامید.

بر اساس این معاهده حقایق ایران عبارت از: 22 متر مکعب آب در ثانیه بر اساس راپور کمیسیون بیطرف دلتای هیرمند جمع 4 متر مکعب آب در ثانیه بنام «حسن نیت» است که مجموعاً 26 متر مکعب میگرد (ماده سوم معاهده). اما ایران هرگز به حقایق خود از رودخانه هلمند اکتفا نکرده و پیوسته سعی کرده تا از طرق کشیدن نهرهای جدید از رودخانه مشترک و یا بزرگ ساختن انهار قدیمه و نصب واترپمپ ها مقدار بیشتر آب را ببرد و شاکتی هم باشد.

یکی از علل کمبود آب در سیستان ایران، انتقال آب ذخایر چاه نیمه های زابل به خارج از جغرافیای سیستان یعنی به شهرزاهدان واقع در ۲۰۰ کیلومتری جنوب زابل است که خلاف مواد موافقتنامه تقسیم آب هلمند میان ایران و افغانستان میباشد. در هیچ ماده یا مواد آن معاهده، افغانستان تعهدی به ایران نه سپرده تا آب مورد نیاز بلوچستان و بخصوص شهر زاهدان را از رودخانه هلمند تهیه کند. ولی دولت ایران از حقایق ای که به مردم سیستان تعلق دارد و باید مردم بومی از آن مستفید گردند، آب ذخیره شده در چاه نیمه های زابل را به استان دیگری انتقال می دهد و در بدل قیمت به مردم زاهدان مرکز بلوچستان توزیع میکند.

[ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، در گزارش مورخ 1396/5/8 خبر میدهد که ایران طرح کشیدن دومین لوله آب از رودخانه هلمند را تا شهرزاهدان روی دست دارد و این اقدام سبب شکایت ساکنان سیستان نیز شده است. رضا جهان تیغی [اهل سیستان] میگوید: تمام این آب باید در دریاچه پخش شود تا از گرد و خاک موجود در منطقه کاسته شود. نباید آب زابل را به زاهدان انتقال داد زیرا خود زابل دچار کمبود آب است.]

گولد سمید، وقتی رأی حکمیت خود را صادر میکرد، سیستان را بدو قسمت سیستان اصلی و سیستان فرعی تقسیم کرد. و هر دو را چنین تعریف و محدود نمود:

«قسمت اول سیستان اصلی، محدود است از شمال به هامون که آنرا از نواحی لاش و جوین، نیه و بندان مجزا می سازد و از طرف جنوب به طور کلی محدود به هامون است و تا محل سه کوهه و برج علم خان ممتد میشود. از طرف شرقی نیز محدود است به شعبه عمده رود هیرمند در زیر بند [سیستان] که در دهنة کانال بزرگ واقع است. قسمت دوم یا سیستان فرعی- عبارت از ناحیه ایست واقع در ساحل راست رود هیرمند با امتداد یکصد و بیست میل انگلیسی.» (محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن

بنابر تعریفی که در حکمیت گولدسمید قید شده و ما آنرا از منابع معتبر تاریخی ایران انعکاس دادیم، زاهدان مرکز بلوچستان ایران، جزء سیستان به حساب نمی آید، زیرا بلوچستان واقع در جنوب سیستان از قدیم الایام سرزمین شناخته شده بنام «گدروزی» بوده و تمام جغرافیا نگاران کلاسیک و از جمله استرابود از موقعیت و حدود آن بنام گدروزی واقع در جنوب سیستان یاد کرده اند. پس یکجا ساختن ایالت بلوچستان با سیستان در زمانهای بعد از حکمیت گولدسمید و ماکماهون صورت گرفته است که یک نیرنگ سیاسی است برای استفاده غیرمجاز از آب هیرمند و انتقال آن به مرکز یک ولایت دیگر، بدون موافقت دولت افغانستان.

در این صورت، دولت افغانستان کاملاً حق خواهد داشت تا بر این خلاف کاری دولت ایران از مفاد معاهده اعتراض نماید و بر طبق ماده پنجم معاهده مذکور بر مقدار آبی که به نام حسن نیت [4 متر مکعب] به جانب ایران داده میشود، در صورتی که ایران به تهدیدات خود علیه حکومت افغانستان ادامه دهد، تجدید نظر کند و آن را کم کند و یا در بدل قیمت به ایران تحویل دهد.

- وزیر انرژی و آب اسماعیل خان [که مدافع منافع ایران در افغانستان است]، بالاخره روز 20 ماه می 2010 در جلسه توضیحی ولسی جرگه در مورد اعمار بندکمال خان در نیمروز، صد دل در یک دل نهاد و از ایران لب به شکایت گشود و گفت ایران بر طبق معاهده 1351 تقسیم آب هلمند، 26 متر مکعب فی ثانیه حقه دارد، ولی اکنون بانصب 75 پمپ استیشن اب بر هلمند از محل بندکمالخان تابند خوابگاه تخمین یکصد متر مکعب آب در ثانیه می برد که خلاف معاهده مذکور و تمام نورم های بین المللی است. (تلویزیون آریانای بیات شام 2010/5/20)

سلطان محمود محمودی، رییس تنظیم انرژی و آب، رفتار ایران را خلاف معاهدات سیاسی بین دو کشور دانسته می گوید: "ایران به حق قانونی خویش و فادار نمانده است، در آن معاهده مشخص شده بود که ایران (26 متر مکعب در ثانیه) خود را تنها می تواند از سه نقطه، از آب استفاده کند، ولی برخلاف قرار داد، این کشور در حال حاضر از 30 تا 40 نقطه دیگر به صورت غیر قانونی از منابع آبی افغانستان استفاده می کند." (گران افغانستان 2011/3/10) معین وزرات آب و انرژی در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرگزاری پژواک اظهار داشت که "به اساس سروی های مختلف مقدار آبهای سالانه افغانستان 75 میلیارد متر مکعب است که صرف 25 تا 30 فیصد آن یعنی 25 میلیارد متر مکعب آن در افغانستان در بخش زراعت به مصرف میرسد و متباقی مقدار پنجاه میلیارد متر مکعب این آبها بدون استفاده از افغانستان خارج شده و به سرسبزی و شگوفائی کشور های همجوار کمک میکند." (خبرگزاری پژواک، 8 اپریل 2008)

گزارش های ملل متحد حاکی از این است که طی 20 سال گذشته، بخصوص در 6 سال (از 1999-2005) واقعات خشکسالی در افغانستان به شدت افزایش یافته است و ممکن این یک روند غیر قابل بازگشت باشد. در بخش های وسیعی از ولایات قندهار، هلمند و نیمروز وضع به گونه دراماتیک بدتر شده و برخی از این مناطق ممکن است دیگر نتواند مانند سابق زندگی ساکنان خود را تأمین کند. سر منشی ملل متحد افزود: متأسفانه هنوز هم مشکل کمبود معلومات، ارزیابی دقیق وضع، پاسخ به آنرا مشکل ساخته است. (bbc 9 جون 2005)

نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان "کای آیده" در عهد کرزی، عدم مدیریت آب را در

زمینه استفاده موثر از منابع آب در افغانستان یک امر منفی خوانده، گفت که درین مورد باید تدابیر لازم اتخاذ گردد. وی افزود: «تنظیم آب و پروژه های انرژی یقیناً که اهمیت زیاد دارند، از زمانی که انرژی برق در کابل بیشتر گردیده ما شاهد بهبود وضعیت زندگی مردم این شهر هستیم. این نه تنها چیزی است که روشنی را ایجاد می کند، بلکه فرصت های جدید اقتصادی را فراهم کرده، سطح تولیدات را افزایش می دهد. من از کشور های کمک کننده می خواهم تادر قسمت تقویت پروژه های انرژی سرمایه گذاری متوازن کنند.» (راديو آزادی ۸/ ۷ / ۲۰۰۹)

حکومت های افغانستان بعد از سقوط داودخان، چنان ناتوان و دچار کشمکش منطقه یی و گروه های شورشی داخلی بودند که هرگز نتوانستند پاسخ اضافه طلبی های ایران و پاکستان را بدهند. در دوران ریاست جمهوری حامدکرزی برای اولین بار مهر رشوت گیری برپیشانی رئیس جمهور افغانستان زده شد وکرزی « بدون خجالت از ملت و تاریخ این کشور، به گرفتن این رشوت اعتراف کرد؟! » و سازمان ملل متحد هم بخاطر این "شهامت ؟ ضد شرافت و عزت افغانی او" درگرفتن خریطه های رشوت از سفارت ایران، مقام درجه دوم فساد در جهان را به نام نامی حامدکرزی ی ثبت کرد. دادن خریطه های مملو از دالروییورواز سوی ایران به آقای کرزی، بخاطر چین بنفش ویا کلاه پوست قره قلی اش داده نمیشد، بلکه در بدل گرفتن آب بیشتر از هلمند و تغییرمسیر آن در خاک خود وپیش آوردن نشانه های سرحدی و همچنان تبلیغ و تعمیم زبان و فرهنگ شیعه از طریق روزنامه ها و تلویزیونها و مطبوعات و اشخاص وابسته به استخبارات آن کشور از تریبونهای افغانستان نیزبود.

اسماعیل محبوب، و محمودحیدری تازه ترین عکسی را به نشر سپرده اند که با ستلایت گرفته شده و در آن انحراف مسیر رود هلمند را بداخل ایران نشان میدهد . و مینویسند: « ایران سالهاست که با خلاف ورزی آشکار از قوانین بین المللی به پیشروی داخل خاک افغانستان پرداخته و با کندن بستر رودخانه هیرمند مسیر رودخانه را به داخل خاک خودش تغییر داده است. در نتیجه تالاب بین المللی هامون در افغانستان خشک شده و صدمات جبران ناپذیری به محیط زیست افغانستان وارده شده است. هم اکنون ولایت نیمروز افغانستان با کم آبی شدید روبرو است..



عکس بالا با ستلایت گرفته شده است که قطع جریان آب و انحراف مسیر آن به داخل خاک ایران را نشان میدهد.

د پانو شمیره: له4تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

پاکستان نیز در چهاردهه اخیر تا توانسته از مهاجرین افغان برضد افغانستان استفاده کرده و با تربیت و تهجیز و تسلیح واعزام آنها بنام مجاهد و طالب والقاعده وداعش امنیت وثبات افغانستان را برهم زده و مانع صلح وثبات در منطقه شده است. این کشور همواره از آب روخانه های کابل وکنربطوررایگان استفاده کرده است. ووقتی جامعه جهانی برای احیاء مجدد افغانستان وعده کمک داد، عدم رضایت خود را از تحقق هرنوع پروژه یی بر رودخانه کابل و کنربراز داشت. یکی از اهداف پاکستان در تشدید بحران نا امنی، ممانعت از تحقق پروژه بند برق بر رودخانه کنر است و حملات توپخانه ای بر ولایت ننگرهار ونورستان وکنربا وفعال شدن گروه داعش دراین ولایات به همین منظوراست. پاکستان میداند که اگر مناطق شرقی افغانستان امن باشد، کشورهند به بستن بند برق بر رودخانه کونراقدام خواهد کرد، بنابراین پاکستان هر دو طرف رودخانه را نا امن میسازد تا هند در آنطرف پا نگذارد.

بقول صاحب نظران مناقشه های سرحدی به بخصوص آب های جاری میان دو کشور، تنها از طریق گفت وگو و مذاکره قابل حل است. استفاده از ابزارهای دیگر از جمله حمایت از گروه های مخالف مسلح برای پیشبرد هدف های سیاسی و اقتصادی کارساز نیست و تنها تنش را در منطقه بیشتر می کند. بگزارش صدای امریکا: معروف مسیر، رئیس حوزه دریای کابل در وزارت انرژی و آب افغانستان، در مصاحبه با صدای امریکا گفت که بر اساس معاهده دریای هلمند با ایران، حکومت افغانستان "۲۶ متر مکعب آب در ثانیه به ایران" تعهد کرده است که سالانه حدود ۸۰۰ میلیون متر مکعب آب می شود.

به گفته این مقام افغان در چندین دهه جنگ در افغانستان، به دلیل مدیریت نشدن آب افغانستان، سالانه بین ۲/۵ تا سه میلیارد مترمکعب آب دریای هلمند، به ایران سرازیر می شد. آقای مسیر همچنان گفت که با در نظر داشت تغییرات اقلیمی که در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد زراعت افغانستان را متاثر کرده است، حال حکومت این کشور تلاش می کند تا از طریق پروژه های احداث بند های آب و آبرسانی که هزینه آن حد اقل به بیش از ۱۰ میلیارد دالر می رسد، حوزه های آبی خود را مدیریت کند، اما نه به قیمت حق کشور های همسایه. (اول اگست ۲۰۱۸)

بنابر مصاحبه آقای مسیر با صدای امریکا اگر کمی تأمل کنیم در می یابیم که ایران بجای ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب حقابه درسال از رودخانه هلمند، دونیم تا سه میلیارد مترمکعب آب برده است که این رقم سه چند استحقاق ایران بشمار می آید. بنابراین در مدت ۴۶ سال بعد از امضای معاهده آب هلمند ایران مقدار ۹۲ میلیارد مترمکعب آب اضافه تر از استحقاق خود از رودخانه هلمند برده است. واگر قیمت هر متر مکعب آب را به همان نرخ که ایران به کشورهای کویت و امارات عربی میفروشد، فی مترمکعب یک دالر محاسبه کنیم، ایران ۹۲ میلیارد دالر از بابت آب بده کار افغانستان است.

در هر حال دولت کنونی افغانستان برای رفع فقر و بیکاری و جلوگیری از کشت موادمخدر، توجه اش را در بخش کشاورزی واحداث بندهای آب و پروژه های زراعتی وتولید انرژی معطوف ساخته است. دولت میخواهد در راه کاهش فقر و بیکاری و جلوگیری از پدیده شوم تروریزم و کشت خاشاکش، زمینه های کار را برای مردم بیکار وبخصوص مهاجران برگشته از ایران وپاکستان با بستن بندهای آب وکنترول منابع آبی خویش وکشیدن کانالهای آبیاری فراهم کند ونیروهای جوان را به عرصه کشاورزی سوق وجذب نماید تا از فقر واحتیاجی بدر آیند. بنابراین اقدامات دولت افغانستان در مهار کردن آبهای که طبیعت آنرا به مردم افغانستان ارزانی کرده است، اقدامات بجا ومعقول به نفع مردم افغانستان است

وتهدیدهای ایران یا پاکستان برای گرفتن آبی که مایه زندگی و بقای خود ماست نمیتواند اراده مردم ما را متزلزل سازد.

دولت افغانستان گفته است که در اثر خشکسالی و تغییرات اقلیمی ۵۰ درصد آب‌های سطحی افغانستان کاهش پیدا کرده است یعنی از هر دو دریاچه این کشور یک آن خشک شده است. در عین حال، آب‌های زیر زمینی هم تا هشت متر در سراسر افغانستان ته نشسته است. خشکسالی به صورت مستقیم تأثیرات بزرگی به زندگی مردم در روستاهای افغانستان گذاشته است. پیش از این سازمان ملل متحد اعلام کرده بود که کاهش باران در دو سال گذشته منجر به فقدان امنیت غذایی و کمبود آب آشامیدنی سالم در افغانستان شده است. به گفته این سازمان خشک سالی بر شرایط ۲۲ ولایت اثر گذاشته و پیامدهای آن بر زندگی میلیون‌ها افغان احساس خواهد شد.

اکثر مناطق افغانستان در سالهای بعد از ۲۰۰۰ میلادی شدیدترین و طولانی‌ترین خشکسالی تاریخ خود را تجربه کرده است. به باور کارشناسان محیط زیست خشکسالی در اثر تغییرات اقلیمی در افغانستان شدیدتر شده است. مقام‌های افغان می‌گویند که اگر بارش برف و باران زیاد نشود و در مصرف آب صرفه‌جویی نکرده، بحران آب به مشکلی جدی‌تر از تروریسم و ناامنی تبدیل خواهد شد.

بر اساس تحقیق وزارت انرژی و آب در کابل، پایتخت با جمعیت حدود پنج میلیون نفر، نسبت به چند سال گذشته سطح آب ۲۰ متر پائین رفته است. آن‌طور که مقام‌های دولت افغانستان گفته‌اند سالانه ۲۹ میلیون متر مکعب آب باران و برف ذخیره می‌شود، ولی ۳۲ میلیون متر مکعب مصرف می‌شود. تغییرات اقلیمی و کاهش بارش برف و باران، استفاده بی‌رویه و تغییر سبک زندگی مردم از دلایل کم‌آبی در افغانستان عنوان شده است.



<http://www.bbc.com/persian/afghanistan-45402440> (بحران کم‌آبی در افغانستان؛ bbc ۴ سپتامبر ۲۰۱۸)

بر اثر خشکسالی از همین اکنون مهاجرتها در غرب کشور آغاز شده است، سازمان ملل گزارش داده که بیش از ۲۰۰۰۰ نفر از مردم ولایات بادغیس و غور در غرب افغانستان، به دلیل خشکسالی به هرات مهاجرت کرده‌اند. به گفته این نهاد، خشکسالی در دو سوم ولایات افغانستان احتمالاً بیش از دو میلیون نفر را با کمبود شدید غذا روبرو می‌کند.

پایان

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ